

ادامه از صفحه ۳

وقتی امنیتی شد، چرا دوستان فراکسیون کارگری در جمع کارگران حاضر نشدند؟ رفتند. چرانرفتند؟

چه کسانی رفتند؟

همه! نمایندگان آنجا عضو فراکسیون هستند. آقای ساری، کاظم نسب والیاجی که برای خود اهواز هستند. همه اینها در جریان بودند.

البته خود شما هم در پیگیری این موضوع با یورو نیوز مصاحبه کردید! ما سعی می کنیم مساله را خیلی بزرگ نکنیم.

مساله به اندازه کافی بزرگ بود.

درست است، ولیکن شورای تامین استان سیاست کلی می گذارد که ماجرا خیلی پخش نشود تا به جاهای دیگر هم سرایت نکند. ما فقط گفتیم مساله را سیاسی نکنید که نتوان جمع کرد. وقتی اینها را گرفتند، عصبانی شدیم و برخی موضوعات را در رسانه ها به زبان آوردیم. اولین اظهار نظر من هم در روز قانون کار جلوی سازمان برنامه و بودجه بود که گفتم آقای دادستان یکی بد خصوصی سازی کرده، یکی بد مدیریت کرده و یکی حقوق را که حق این کارگران است نداده. آن وقت شما اینها که حق شان ضایع شده و هشت ماه حقوق نگرفته اند را زندانی می کنید؟ این کارگر حرف نزند که باید خودکشی کند. چه بساد در کارخانه ها قبله که داد نمی زنند، خودکشی می کردند. همه اینها بچه های انقلاب هستند و در سال های جنگ پای کار بودن شان را نشان داده اند. آنها از نماینده های اصولگرا هم ولایتی تر هستند. کارگری که نان ندارد بخورد، چه کند؟

اگر موافق باشید، به موضوعات دیگر هم بپردازیم، با توجه به اینکه زمان کمی داریم. از بعد از سال ۹۶ شاهد یک نوع تغییر در مناسبات جریان اصلاح طلب و آقای رئیس جمهور هستیم. چیزی که نمود آن رامی توان در تند تر شدن انتقادات اصلاح طلبان نسبت به دولت از سویی و تقویت جایگاه حزب اعتدال و توسعه و در مقابل به حاشیه رفتن کارگزاران در دولت در مقایسه با قبل دانست. ارزیابی شما از این مساله و زمینه های آن چیست؟

اگر به تکرر به عنوان ابزار لازم رشد و توسعه نگاه کنیم، دیدمان نسبت به موضوع قدری تغییر می کند. ما باید دیدگاه های مختلف داشته باشیم و این عامل رشد و پیشرفت است. این تغییر خیلی طبیعی است و همه جای دنیا این مساله وجود دارد. جناحی که معتقد به اصلاح طلبی است، باید در مقابل هر حرکتی که شرایط را برای مردم سخت تر می کند، مقاومت کند. بعضا می بینیم کسانی که اصلاح طلب بودند و در دولت حضور دارند، در این زمینه تلاش نکردند و با سیاست های کلی دولت همگام شدند. ولی به طور کلی جریان اصلاح طلبی که یک جریان متولد شده در انقلاب است و درون انقلاب زندگی می کند، همیشه جهت گیری در مسیر اصلاح امور دارد، یعنی وقتی می بیند نرخ ارز این طور افزایش پیدا می کند، اوچی دارد و باعث می شود فقرا تکانه شوند و دسترخت اندک آنها بر باد برود و برخورد اعتراضی می کند، چرا که سیاست هانیابیده گونه ای باشد که به فقیرتر کردن فقرا بینجامد.

عملکرد دوره دوم آقای روحانی به این نقطه رسید و باعث فقیرتر شدن مردم شد؟

بله، برخی مواقع این چنین شده است. حال آدمیم سیاست های جبرانی به کار ببریم؛ مثلا می خواهیم به آنها بسته های حمایتی بدیم. به کارمندان دولت می گویم هر کارمندی که حکم زیر سه میلیون تومان دارد، این بسته حمایتی با این میزان کمک نقدی را دریافت می کند، اما به کارگران که می رسمیم، با وجود آنکه بیشتر تکانه شده اند و آسیب بیشتری دیده اند، کارخانه هایشان متضرو تعطیل شده و پس انداز اندک شان از بین رفته، می گویم به هر خانوار این کمک را ارائه می کنیم. در واقع به اوارزش کارمند را نمی دهیم و همان چیزی را که به کمیته امداد می دهیم، می خواهیم در اختیار او بگذاریم. هرکس این سیاست ها را اعمال کند، جواب دارد؛ چه اصلاح طلب باشد و چه اصولگرا، چه یک دولت و چه مجلس باشد. در مقابل اینها باید مقاومت کرد و حرف زد تا اصلاح شود. اینها را نمی توان گفت تضاد است، اینها اصلاح است. من خودم را هم باید اصلاح کنم چه رسد به دیگران و دولت!

شما معتقد هستید عملکرد دولت به چه نحو بوده و چقدر به وعده های خود عمل کرده است؟
نمی توان مطلق بیان کرد. در برخی بخش ها خوب بوده و در برخی بخش ها ضعف داشته است.

برآیند را بطور می بینید و چه نمره ای می دهید؟
مردم رای دادند و ما مادامی که یک رئیس جمهور مستظهر به رای مردم باشد، باید سعی کنیم با او همکاری کرده و اشکالات را اصلاح کنیم.

آقای حجاریان نکته ای دارند که می گویند بخشی از شعارهای آقای روحانی محقق کردن دغدغه های اصلاح طلبانه بود و امروز آن بخش را محقق نکرده است و با توجه به اینکه این اتفاق افتاده، آقای روحانی خود از خود عبور کرده است. شما معتقدید چه بخشی از وعده های آقای روحانی عمل شد؟ چه دلیلی وجود دارد که بخشی از وعده های آقای روحانی عمل نشده است؟

این را باید این طور پرسید که اگر کسی غیر از آقای روحانی بود، آیا در این حد کار کرده بود؟ من می گویم خیر؛ یعنی آقای روحانی تلاش خود را کرده است. برای حفظ انسجام کشور مجبور می شود برخی مواقع کوتاه بیاید.

از چه چیزی؟
از آن شعارهایی که داده است.

سهیلا جلودار زاده در گفت وگوبا «فرهیختگان»:

حجاریان معتقد است سهم اصلاحات از دولت روحانی کم بوده



« گفت و گو در یک نگاه

- نیشکر هفت تپه را با پولی معادل یک واحد آپارتمان فروختند.
- تغییر رویکرد دولت و اصلاح طلبان نسبت به هم طبیعی است.
- برخی اصلاح طلبان حاضر در دولت برای بهبود شرایط زندگی مردم تلاش نکردند.
- سیاست های دولت فقرا را تکاند و دسترخی آنها را بر باد داد.
- عملکرد روحانی در برخی موارد باعث فقیرتر شدن مردم شد.
- بسته های حمایتی دولت تبعیض آفرین بود.
- ریشه های عمل نکردن روحانی به برخی وعده های خود در بیرون دولت است.
- برنامه ای که از سازمان برنامه و بودجه به عنوان برنامه ششم بیرون آمد آنقدر مشکل داشت که در مجلس در دو بار رفت و برگشت کلی تغییر کرد.
- حمایت اصلاح طلبان از روحانی به خاطر رای بالاتر و سازگاری بیشتر اصولگرایان با او بود.
- حجاریان معتقد است سهمی که اصلاحات در شراکت با روحانی گرفته کم بوده.
- رئیس جمهور قدری محیط را استریل می کند و بعد حرف می زند. یعنی شرکت کنندگان را محدود می کند و اجازه نمی دهد هر کسی وارد جلسه شود.
- شاید دولت های دیگر اصلاح طلب تا این حد کار نکرده باشند.
- آقای روحانی اعصاب ندارد.
- اگر دولت زمان زیادی را برای برجام نمی گذاشت از نظر ماموریت های داخلی فرصت ایجاد همبستگی بین مردم را پیدا می کرد.
- دولت باید جوابگوی نیازهای مردم باشد و باید پر پروژه مرکزی آن خدمت می شد.

این عقب نشینی یا عمل نکردن به وعده ها ریشه و خاستگاه بیرونی دارد؟

بیرون از تفکر روحانی است. مجبور است کوتاه بیاید.

یعنی دلیل هر آنچه دولت عمل نکرده است، بیرون از تفکر آقای روحانی بوده؟

خواسته ایشان نبوده است. خواسته ایشان به عنوان رئیس جمهور این است که به وعده هایی که به مردم داده، عمل کند. وقتی نمی توانید، کوتاه می آید. آقای روحانی برجام را تا انتها رفت و اینکه ترامپ می آید و اجرانمی کند یا در داخل عده ای تلاش می کنند شرایط را ضعیف نشان دهند تا معادلات به هم بخورد، چیز دیگری است.

البته این خود آقای روحانی بود که پیام خزانه خالی را به بیرون مخابره کرد. این ضعیف نشان دادن نیست؟

مساله آن نبود. مساله کم زوری آقای روحانی بود؛ یعنی نمی تواند به همه سیاست هایی که در برجام پذیرفته است، عمل کند.

در حوزه کارآمدی و عملکردی سهمی برای شعارهایی که محقق نشده، قائل هستید؟

بالاخره آن هم موثر است. آقای روحانی در ساختار دولتی آقای احمدی نژاد مستقر شد؛ یعنی سازمان ها و ادارات به اندازه کافی پر از نیروی کم سواد شده اند و بدنه کارشناسی دهه اول انقلاب بازنشسته شدند و رفتند. احمدی نژاد سازمان برنامه را منحل کرد و یک رئیس جمهور بدون داشتن سازمان برنامه به رورز و پرمحتوا نمی تواند در دنیای امروز کار کند.

الان سازمان برنامه دولت فعلی به روز و پرمحتوا هست؟
خیر. خیلی از نیروها رفتند و نیروهای جدید برای این کار تربیت نشده است. ما آنلین با دنیا نیستیم.

انتقادات زیادی هم نسبت به ریاست این سازمان مطرح بود که عمدتا از سوی حزب کارگزاران و برخی دیگر از گروه های اصلاح طلب مطرح می شد. شما این انتقادات را وارد می دانید؟ انتقاداتی نظیر آنکه رئیس سازمان برنامه به اندازه باری که به عهده این سازمان است، توانمندی و تخصص کافی ندارد و بخش زیادی از نارسایی ها و کاستی ها به این سازمان بازمی گردد؟

بالاخره ضعف سیستم، خروجی خوبی به رئیس جمهور نمی دهد. برنامه ای که از سازمان برنامه و بودجه به عنوان برنامه ششم بیرون آمد، آنقدر مشکل داشت که در مجلس در دو رفت و برگشت کلی تغییر کرد و حتی رئیس مجلس گفت ممکن است ۲۵ درصد محقق نشود. بعد می بینیم حتی کسی تلاش نکرده که این محقق شود. من به عنوان کسی که اقتصاد خانواده خود را به عهده دارم، وقتی بحران می آید، جاهای زیربنایی را هیچ گاه فدای روبنا نمی کنم.

چرا این اتفاق رخ نداد؟ در این دوره سازمان برنامه تقویت نشد یا به خروجی های آن عمل نشد؟
اینها را باید آسیب شناسی کنند.

شما نماینده مردم هستید و طبیعتا باید در این حوزه نظر داشته باشید.

من الان می توانم بگویم نمی دانم و سواد همین قدر است.

پنج سال از عملکرد دولت می گذرد و کارنامه قابل قضاوتی از آن در دسترس وجود دارد. با علم به این موضوع فکر می کنید اگر

سیاست

دوشنبه ۲۶ آذر ۱۳۹۷ | شماره ۲۶۵۸



وروش حکومتی غیر از این را تجربه نکرده بوده اند. پس مرحله گذار داریم. ۱۰ بار آدمی زیر آب می رود و روی آب می آید. من این طور به انقلاب نگاه می کنم.

شما فرمودید در سال ۹۲ می خواستیم سیستمی بیاید که اجازه حرف زدن در آن وجود داشته باشد.
تا بتوانند حرف بزنند.

در این دولت اجازه حرف زدن داده شده است؟
بله، خیلی فرق کرده است.

نقدها خیلی قشنگ جواب داده نمی شود. تعابیری همچون بی شناسنامه و دروغگو و....

همین که مردم می توانند بگویند رئیس جمهور دروغ می گوید، خود نشان دهنده موفقیت رئیس جمهور در این عرصه است.

اینکه رئیس جمهور علیه منتقدان چنین توهین هایی را به زبان آورد هم موفقیت است؟
رئیس جمهور می تواند از خود دفاع کند.

این تعابیر به نظر شما دفاع رئیس جمهور از خود است؟
چرا هم!ش می خواهید چیزی از من علیه رئیس جمهور دریاورید؟

من چنین چیزی نمی خواهم.

این را با خود آقای روحانی صحبت کنید و به ایشان بگویید. من فکر می کنم بالاخره روحانی موفق شده شرایطی را ایجاد کند که مردم بتوانند حرف بزنند و فکر کنند. این اولین چیزی است که به ضرر خود او تمام می شود. چون رئیس جمهور اگر دیکتاتور بود، سعی می کرد اجازه ندهد مردم حرف بزنند. نهایت کاری که رئیس جمهور می کند این است که قدری محیط را استریل می کند و بعد حرف می زند؛ یعنی شرکت کنندگان را محدود می کند و اجازه نمی دهد هر کسی وارد جلسه شود.

ولی در فضای رسانه همه حرف می زنند و آقای رئیس جمهور جواب هایی می دهد که در شأن این جایگاه نیست.

در این زمینه آقای روحانی تلاش کرده تفکر اجتماعی را سسرکوب نکند و اجازه داده حرف زد شود. این از موفقیت های آقای روحانی است. سعی کرده از همه برای اداره کشور استفاده کند و به رغم همه کج رفتاری هایی که وجود داشت، حد و حرمت مجلس را تا حد زیادی نگه داشته است. قانون را پذیرفته و به انجام قانون تن می دهد و می پذیرد. اینها محاسن دولت آقای روحانی است. شاید دولت های دیگر اصلاح طلب تا این حد کار نکرده بودند.

آقای خاتمی هم با منتقدان این گونه برخورد نمی کرد و واقعا این تعابیر را آن زمان نداشتیم.

آقای روحانی اعصاب ندارد. آقای روحانی از خودی می هم می خورد. اقلا اصلاح طلبان آقای خاتمی را نمی زدند. آقای روحانی با یک چیزهایی مثل جبهه پایداری روبه رو است که هیچ حدی را نگه نمی دارند.

در جایی از گفت وگو درباره عملکرد، به تلاش دولت برای گسترش عدالت اشاره کردید. به نظراتان آقای روحانی در این زمینه چقدر موفق بود؟

در کشور ما ایده آل این است کسانی که در این برهه حساس کار می کنند، به حقانیت عملکرد انقلاب واقف باشند و دور این جمع شوند. حقانیت عملکرد انقلاب چیست؟ حقیقت عملکرد انقلاب این است که ما کشوری مستقل شویم و به چشم انداز خود برسیم و مردم ما راحت زندگی کنند. آیا اینن الان وجود دارد؟ خیر. هر جایی که اصلاح طلب و اصولگرایان کار را انجام دهند، یعنی جلوی فساد را بگیرند، نه اینکه حقوق نجومی بگیرند، آنجا یک نقطه عطف است. وقتی تلاش کنیم و این نقاط مشترک زیاد شود، دگردیسی در ساختار دولت ایجاد می شود. اگر دولت فرصت کافی داشت و مساله برجام نبود، می توانست در این زمینه هم موفق شود. کما اینکه برخی افراد اصولگرای دواآتش بودند و الان رفتارهای آنها تغییر کرده و خیلی از اصلاح طلبان تندرو بودند و رفتار آنها هم تغییر کرده است. یک جایی مثلا در خدمت کردن، با هم به تفاهم می رسند. اگر در غارت کردن به تفاهم برسند هیچ کدام نه اصولگرا و نه اصلاح طلب هستند.

اگر برجام نبود دولت می توانست موفق باشد؟
بله. برجام از دولت زمان زیادی برد.

ولی ایده مرکزی دولت به نتیجه رساندن برجام بود.
بله. ضرورت و الزام دولت بود. اگر زمان زیادی را برای این کار نمی گذاشت، از نظر ماموریت های داخلی فرصت ایجاد همبستگی بین مردم را پیدا می کرد.

ولی این گزاره در روزهای خوشی برجام مطرح شد که برجام پروژه مرکزی دولت بود و در حال حاضر دولت عملا پروژه مرکزی دیگری ندارد.

کسی که این را گفت، نظر خود را بیان کرد. دولت باید جوابگوی نیازهای مردم باشد و باید پروژه مرکزی دولت، خدمت کردن می شد.

شما مهم ترین نقاط قوت و ضعف دولت را چه می دانید؟
مقاوم بودن و استقامت کردن را نقطه قوت دولت آقای روحانی می دانم. مقاومت در برابر موج انحلال از داخل و خارج. از بیرون ستاد، جنگ اقتصادی تمام عیار علیه ایران تشکیل شده است، ولی اینکه آقای روحانی سعی دارند استقامت کنند و شیرازه امور کشور از هم نیاشد، یکی از نقاط قوت ایشان است. نقطه ضعف هم این است که برخی مواقع کم می آورند.

یعنی چه؟

برخی مواقع خسته می شوند. الان درخصوص نقطه ضعف چیزی نمی گویم.

بله، این اتفاق فی نفسه منفی نیست. اما اینکه آن عملکرد به پای اصلاح طلبان نوشته شود، بطور؟
یک عده معتقدند به واسطه حمایتی که در انتخابات ۹۲ و ۹۶ از روحانی صورت گرفت و متعاقبا شرایط امروز کشور، بخش هایی از بدنه این جریان سرخورده خواهند شد.

من به شمامی گویم اصلاح طلب یک آدم نیست. اصلاح طلبی یک حزب نیست. یک ملت است. یک آرزو و آرمان و خواسته است. با امام شروع شده است و بعد از امام تمام نمی شود. امام گفتند ممکن است روزی برسد که مردم شما را نخواهند و آن روز بوم الله است. من ممکن است به عنوان جلودار زاده شعارهای اصلاح طلبانه داده باشم و یک موقعی فکر کرده ام ضرورت است اشتی ملی ایجاد کنم و خود را به عنوان سرمایه خرج کردم. من برای این نیامدم که رای نگه دارم. کسی که رای نگه می دارد، فرد خودخواه و قدرت طلبی است. برخی چه به نام اصولگرا و چه به عنوان اصلاح طلب، استمرار طلب می شوند، چون می خواهند چیزی بگویند که خوشایند طرفداران باشد و حق را فراموش می کنند.

یعنی حمایت از آقای روحانی صرفا به دلیل مواردی بود که اشاره داشتید و الزاما فراهم آمدن زمینه بازگشت به قدرت و پس گرفتن کرسی هایی که طی یک دهه گذشته به جریان رقیب واگذار شده بود، نبوده؟

آنها هم بوده است و من حق داشتم به عنوان صاحب نظر سیاسی – اجتماعی با رای خود در اداره کشور دخیل باشم. منتها هدف اولیه من این نبود که به مجلس بروم. من اتفاقا در شعارهای انتخاباتی خود یک پوستر تهیه کردم که شعارش این بود: «به مجلس می رویم، امانه به هر قیمتی!» هنوز هم در خانه کارگر و اتحادیه زنان این پوستر هست. ما قیمت انسانیت و بندگی خدا را حفظ می کنیم و نگه می داریم و به مجلس می رویم. به حق خود هم می رسمیم. به عنوان یک انسان و به عنوان شهروند حق دارم نماینده مردم شوم و هر کسی این حق را دارد. البته همیشه هم نباید من بروم و خیلی مواقع باید این جوانان کارگر بروند.

آقای حجاریان نگاهیه گدایی قدرت را برای اتفاقی که در سال ۹۲ افتاد استفاده کردند و گفتند نمی توان اینچنین کنش سیاسی کرد. تعبیر ایشان این است که نباید به هر جنس بنجلی تن دهیم!

آقای حجاریان نگاهش به تعامل سیاسی در این مقطع این بوده و اینکه سرمایه یی به نام حمایت مردم دارد و این را با آقای روحانی به شراکت گذاشته و می گوید سهمی که من گرفتم، کم بوده است. ولی نوع تعامل من این نبوده است. من حق دارم برای خود نظر داشته باشم. من فکر کردم شرایطی ایجاد شده که حتی به خود آقای حجاریان هم اجازه نمی دهند از خانه بیرون بیاید.

چه کسی اجازه نمی داد؟

شرایطی بود که نمی توانست حرف بزنند. در دورانی که آقای احمدی نژاد سیاست حادی را برقرار کرد و راه های روشنگری را مسدود کرده بود. من به عنوان یک آدم می توانستم بباییم و کمک کنم که یک عقلانیت در ساختار حکومت ایجاد شود و این عقلانیت کمک کند همه حرف بزنند.

آن ایده آلی که داشتید محقق شده است؟

این یک قدم بود. هیچ انقلابی امکان ندارد در شرایط فساد شکوفا شود. اگر فساد نباشد، انقلاب نمی شود؛ یعنی در یک شرایط اجتماعی نامناسب یک انقلاب به وقوع می پیوندد، بعد از این حالت ارتجاع زیادی وجود دارد، چون آدم ها چیزی غیر از این ندیده

به سال ۹۲ برگردیم، تصمیم شما همان خواهد بود که گرفتید و به جای عارف از روحانی حمایت خواهید کرد؟
انتخاب ما یک انتخاب توافقی بود. این یا آن نبود. آقای روحانی و آقای عارف توافق کردند که آقای روحانی باقی بماند.

چرا خروجی این توافق ماندن آقای عارف نبود؟
به خاطر درصد موفقیتی بود که آقای روحانی می توانست داشته باشد. میزان رای ایشان بالاتر بود و سازگاری بدنه اصولگرایی هم با آقای روحانی بیشتر بود؛ یعنی اگر آقای عارف می آمدند به طور قطع مقاومت ها خیلی بیشتر می شد. وقتی با خاتمی آن طور برخورد می شود، با ایشان هم به طور نسبی انجام می شد.

این موضوع روی هویت اصلاح طلبی اثر گذار نبود؟ آقای تاجیک معتقدند با حمایت از آقای روحانی و توجه به عملکرد دولت، هویت خود را به خطر انداخت. شما چقدر قائل به این موضوع هستید؟

من این موضوع را قبول ندارم. هویت آن چیزی است که هستید. اگر کسی به نام اصلاح طلبی رفتار اصولگرایانه یا فرصت طلبانه دارد، نمی توان او را با اصلاح طلبی جمع کرد. نمی توان گفت به هویت اصلاح طلبی لطمه زده است. با اگر ما در شرایطی کمک به هویت ملی کردیم و اجازه ندادیم کشور دچار بحران های شدید شود، ما به هویت اصلاح طلبی پشت نکردیم. ما سعی کردیم هویت ملی حفظ شود.

عرض من این است که بدنه اجتماعی جریان اصلاح طلب با یک سری شعارها، حمایت ها و طرح پاره های مطالبات، اقتاع شدند از کسی حمایت کنند که عضو شورای مرکزی روحانیت مبارز بوده و کاملا غیر اصلاح طلب است و این را هم کسی رد نمی کند. بدنه اجتماعی توجیه می شوند که پای کار چنین کاندیدیابی بیایند.

ما بخشی از سرمایه اجتماعی خود را برای حفظ استقلال و امنیت کشور هزینه کردیم. همه سرمایه اجتماعی اصلاح طلبی برای همین منظور است. اصلاح طلبی با آدم ها شناخته نمی شود. اصلاح طلبی یک خواست ملی است و همه می خواهند کشور درست شود. همه از فساد متفر هستند. همه از انحصار منابع مالی به افراد حاکم و مسئول متفر هستند.

این نفرت بخشی از ویژگی های اصلاح طلبی است و هویت اصلاح طلبی نفرت نسبت به فساد است. اگر کسی در مقابل این بایستد و اجازه ندهد اصل موجودیت کشور از بین برود، این افول نکرده است. سرمایه اصلاح طلبی را حرام نکرده و آن را نگه داشته است.

یعنی معتقد نیستید این عملکرد دولت ممکن است روزی به ریزش بدنه رای اصلاحات منجر شود؟

اشکالی ندارد. اگر آقای روحانی در آن مقطع نمی آمد، خیلی از نیروهای ما در زندان ها دچار مشکلات جدی تری می شدند. الان مسدود کرده بود. من به عنوان یک آدم می توانستم بباییم و کمک که یک عقلانیت در ساختار حکومت ایجاد شود و این عقلانیت کسی را ساکت کرد و با زور حکومت کرد. با زور حکومت کردن باعث خراب شدن و نابودی همه چیز می شود.

هر چه هست این عملکرد به گونه ای بوده که خیلی از اصلاح طلبان امروز فریاد بلند کرده اند و آن را نقد می کنند. طبیعتا همه عملکرد دولت آنچه که شما گفتید نبوده.
اینکه صدای آنها بلند شده، منفی نیست.